

نقش رعایت حقوق شهروندی مهاجرین و پناهندگان در توسعه پایدار از دیدگاه قرآن

حبیب محمدنژاد چاوشی*
بهرام کارجو اجیرلو**

چکیده

رعایت حقوق شهروندی مهاجرین در جامعه اسلامی در قرن‌های اوج تمدن خود که ریشه در باورهای منبعث از معارف اسلامی دارد مرکز توجه اندیشمندان جهان می‌باشد. این مقاله به دنبال پاسخ این سوال است که آیا قرآن به موضوع حقوق شهروندی مهاجرین پرداخته و ابعاد مختلف آن را بیان نموده است؟ روش این تحقیق اکتشافی و استخراج داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری داده‌ها به صورت فیش‌برداری می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اولاً قرآن دغدغه عدالت نسبت به مهاجرین در راه خدا را دارد. ثانیاً کشورهای اسلامی موظفند که ۱. محلی برای زندگی مهاجرین تأمین نمایند ۲. مشکلات مهاجرین اعم از عضویت (شهروندی)، آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی را حل کنند. ۳. ثروتمندان جامعه اسلامی نیاز مالی مهاجرین را برطرف کنند. ۴. در حل مشکلات فرهنگی - اجتماعی مهاجرین بکوشند. ۵. رفتاری منطبق بر اخلاق اسلامی همانند عفو، ایثار، عدم خست و حسادت داشته و نهایتاً آنها را دوست داشته باشند.

واژگان کلیدی

قرآن، هجرت در راه خدا، پناهندگی، حقوق شهروندی مهاجران و توسعه پایدار.

mohammadnejad.h@iums.ac.ir
bahramkarju93@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

*. استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی ایران.
**. کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۷

طرح مسئله

هجرت از سرزمین کفر به جامعه اسلامی از واجبات است و خداوند برای کسانی که بعد از مسلمان شدن به جامعه اسلامی مهاجرت نمی‌کنند و در سرزمین کفر می‌مانند، در روز قیامت وعده عذاب داده است.^۱ هجرت واجب در اسلام دو قسم است: هجرت مسلمان بدوی و غیر آشنا به معارف اسلامی، به سرزمینی که امکان تحصیل معارف دینی و احکام الهی در آنجا باشد؛^۲ و هجرت کسی که در سرزمین کفار ایمان می‌آورد و به دلیل فشارها و محدودیت‌هایی که قوانین سرزمین کفر برای مسلمان ایجاد می‌کند، قادر به یادگیری معارف دینی و احکام واجب خود و یا انجام واجبات و برپایی شعائر اسلامی نیست، لذا واجب می‌شود که به کشوری که قوانین اسلام بر آن حاکم است و یا سرزمینی که شرایط انجام آن امور را فراهم می‌کند، هجرت کند.^۳

پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام «تعرب بعد از هجرت» را حرام و از گناهان کبیره دانسته‌اند. قرآن نیز چنین امری را نکوهیده است و مستوجب عذاب دانسته است.^۴ منظور از تعرب بعد از هجرت، برگشتن به سرزمین کفر و الحاد و شرک است بعد از اینکه به دلیل ایمان آوردن به اسلام، فرد مسلمان به سرزمین مسلمانان و بلاد اسلام هجرت کرده باشد.^۵ معنی لغوی تعرب، بدوی و دور از تمدن و فرهنگ متعالی بودن است و اگر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برگشتن به بلاد کفر را تعرب می‌خواند به این دلیل است که اسلام را دینی برخوردار از فرهنگ متعالی و برتر و دوری از اسلام را دوری از ترقی و مدنیت می‌داند.

مفاهیم هجرت و یا تعرب بعد از هجرت، امروز نیز مصادیق بسیار زیادی دارد. مسلمانان زیادی بعد از فروپاشی شوروی سابق، مجبور به مهاجرت شدند؛ به دلایلی از جمله: نسل‌کشی مسلمانان بوسنی و هرزگوین توسط صرب‌ها که منجر به ترک دیار مسلمانان و پناهندگی به کشورهای همسایه شد؛ حمله آمریکا به عراق و آوارگی هزاران عراقی و در نتیجه پناهنده شدن آنها به ایران؛ حمله ارمنه به منطقه مسلمان‌نشین قره‌باغ در جمهوری آذربایجان و آواره شدن هزاران مسلمان و پناهنده شدن آنها به شهرها و استان‌های مجاور و یا کشورهای همسایه مثل ایران و ترکیه؛ ناامنی ایجاد شده توسط طالبان برای مسلمانان به‌ویژه شیعیان افغانستان و در نتیجه پناهندگی هزاران افغانی شیعه به ایران و در روزهای اخیر کشتار مسلمانان روهنگیایی در میانمار و پناهنده شدن آنها به کشورهای همسایه خود مثل کشمیر، بنگلادش و هندوستان که در همه موارد فوق دلیل هجرت عدم وجود امنیت جانی برای مسلمانان است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حاکمیت قانون اسلام بر این کشور، ایران تنها محل امید مستضعفان و مظلومان شیعه در جهان شد. شیعیان مستضعف به دلیل ضعف در معارف دینی و کسب علوم اسلامی و تقه در دین و همچنین برای نجات از یوغ ظالمان و مستبدین کشور خود، به ایران و خصوصاً شهرهای مقدس قم و مشهد پناه آوردند و هنوز هم این مهاجرت‌ها ادامه دارد.

مطالعات میدانی زیادی در شهرهای مهاجرپذیر ایران مثل قم، مشهد، کرج و امثالهم نشان می‌دهد که وضعیت عمومی مهاجران در ایران در تراز نظام جمهوری اسلامی نیست و مهاجران با مشکلاتی مواجه هستند.

حال مسئله اصلی این است که وقتی از دیدگاه قرآن برای هر مسلمانی واجب است که برای یادگیری معارف دینی خود و امکان برپایی شعائر دینی و یا حفظ جان خود به سرزمین‌های اسلامی مهاجرت کنند آیا طبق منابع معتبر اسلامی برای حاکمان سرزمین‌های اسلامی و مردم کشور مقصد تکالیفی تعیین شده است؟ و آیا در قبال مهاجرین مسلمان، مسئولیتی متوجه جوامع اسلامی می‌باشد؟

یکی از حوزه‌های مهم توسعه خصوصاً توسعه پایدار، موضوع شهروندی و پذیرش مهاجر و نحوه برخورد با این پدیده اجتماعی است. این مقاله قصد دارد این موضوع را از دیدگاه قرآن مورد مطالعه قرار دهد. لذا سؤال تحقیق این است: از دیدگاه قرآن حقوق مهاجرین و پناهندگان مسلمان چیست؟ و آیا رعایت این حقوق در راستای توسعه پایدار جامعه میزبان می‌باشد؟

۱. نساء (۴): ۹۷.

۲. توبه (۹): ۱۲۲.

۳. نساء (۴): ۹۷؛ انفال (۸): ۷۲.

۴. نساء (۴): ۹۷.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۴۳.

روش این تحقیق اکتشافی و اجتهادی می‌باشد که از طریق تحلیل محتوای آیات و روایات قصد نتیجه‌گیری دارد. لذا به لحاظ جامعه آماری، روش کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیش‌برداری است.

پیشینه تحقیق

هر چند مقاله و یا مطلب علمی با موضوع عدالت در حوزه مهاجرت و درخواست عضویت در جوامع اسلامی از دیدگاه قرآنی و روایات یافت نشد ولی مطالب علمی بسیار زیادی مرتبط با این موضوع یافت شد که در ذیل گزارش مختصری ارائه می‌گردد.

مایکل والزر در کتاب «حوزه‌های عدالت» به موضوع عضویت و حق شهروندی برای مهاجرین پرداخته است. ایشان معتقد است: ۱. برای برقراری عدالت در این حوزه باید برای کسانی که در خصوص پذیرش و یا عدم‌پذیرش مهاجرین تصمیم می‌گیرند، ملاک تعیین کرد؛ به طوری که افراد ناصالح حق تصمیم در این موضوع را نداشته باشند. ۲. برای پذیرش کسانی که مهاجرت می‌کنند باید ملاک منصفانه‌ای تعیین نمود و نباید خودخواهانه فقط دلایل کشور میزبان دیده شود. ۳. میزان و سطح برخورداری‌های یک مهاجر و میزبان باید دقیقاً مشخص گردد. ایشان در کتاب خود در خصوص هر کدام از این سه مورد، دیدگاه خود را مطرح نموده است.^۱

رحمت‌اله عبدالله‌زاده انگیزه‌های مهاجرت در اسلام را دست‌یابی به گشایش و امنیت، اظهار شاعر اسلام و تبلیغ دین بیان نموده است و معتقد است مهاجرت پیامبر ﷺ در صدر اسلام به مدینه باعث تبلیغ و گسترش دین اسلام، ایجاد وحدت بین مسلمانان، تدوین نخستین قانون اساسی جامعه اسلامی، تأمین امنیت مرزهای جامعه اسلامی، ایجاد سازمان رزمی و بیان و تفصیل آیات و احکام شده است.^۲

جمشید صدیقی نیز هجرت را باعث گسترش و نشر احکام قرآن بیان نموده است.^۳

مطالعات میدانی زیادی با هدف بررسی وضعیت مهاجرین مسلمان در جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است که برخی به وضعیت نیروی کار مهاجر،^۴ برخی به تغذیه کودکان افغانی و یا وضعیت زنان مهاجر افغانی،^۵ برخی به کیفیت زندگی مهاجرین،^۶ برخی به احساسات و نوع نگرش آنها به کشور میزبان^۷ و برخی به مسائلی مثل آموزش و فضای فیزیکی در اختیار مهاجرین پرداخته‌اند.

هر چند این مقالات مسئله عدالت را به طور عام مورد مطالعه قرار نداده‌اند ولی مروری بر این مقالات می‌تواند وضعیت مهاجرین مسلمان را تا در ایران حدودی نشان دهد.

کتاب «اخلاق کاربردی، چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی» که توسط جمعی از نویسندگان نوشته شده است، به مهمترین مسائل مربوط به شهروندی و مهاجرت پرداخته است. این کتاب - همانند مایکل والزر - معیارهای مثبت و منفی برای تصمیم‌گیری در خصوص شهروندی، و نیز دلایلی در خصوص عدم محدودیت در مهاجرت را از زبان برخی دانشمندان مطرح و از آن‌ها دفاع نموده است. این کتاب هرگونه محدودیت در مهاجرت را مخدوش کردن حق آزادی، حق حیات و عدم رعایت عدالت توزیعی می‌داند. البته می‌پذیرد که تنها محدودکننده طبیعی مهاجرت آزاد، محدودیت امکانات کشور مقصد می‌باشد. این کتاب توسط یک مؤسسه حوزوی مورد حمایت قرار گرفته و چاپ شده است ولی در این قسمت از کتاب از دیدگاه مذهبی به موضوع پرداخته نشده است.

مطالعه پیشینه تحقیق، سوالات متعددی را در مسیر پاسخ دادن به سؤال اصلی تحقیق ایجاد کرد که در حقیقت به‌نوعی

۱. والرز، حوزه‌های عدالت در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری، ص ۱۱۷ - ۶۷.

۲. عبدالله‌زاده، «انگیزه‌ها و پیامدهای هجرت در اسلام»، پیک نور، ص ۶۶ - ۵۸.

۳. صدیقی، «اهمیت هجرت پیامبر اکرم ﷺ در گسترش اسلام و نشر احکام قرآن»، سراج منیر، ص ۱۴۰ - ۱۱۹.

۴. پروین و رستمی، «بررسی اثربخشی حق کار کارگران مهاجر قانونی در ایران از اسناد بین‌المللی»، مطالعات حقوق خصوصی، ص ۱۰۶ - ۸۷؛ حسین‌شاه و دیگران، «نقد و بررسی ادبیات جبران خدمات و مفهوم آن برای نیروی کار مهاجر»، فصلنامه مجله ایرانی مطالعات مدیریت، ص ۲۲۱ - ۲۰۳.

۵. رضائیان و دیگران، «وضعیت تغذیه کودکان مهاجر افغانی ساکن در شهرستان شهریار با استفاده از شاخص توده بدنی»، پایش، ص ۲۸ - ۲۳.

۶. زبیری و دیگران، «بررسی و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در شهروندان مهاجر و بومی (مورد پژوهش: شهر قم)»، مسائل اجتماعی ایران، ص ۷۸ - ۵۵.

۷. بوربور، «مهاجران و راه‌های گذار از احساس تبعید: بررسی رهیافت‌های نظری»، مجله علوم اجتماعی، ص ۲۴۹.

چارچوب نظری این تحقیق محسوب می‌گردد:

۱. آیا موضوع برخورد عادلانه با مهاجرین، دغدغه قرآن نیز می‌باشد؟
۲. آیا در قرآن و روایات، بین دو پدیده اجتماعی مهاجرت و پناهندگی تفاوت دیده می‌شود؟
۳. شاخص‌ها و ملاک‌های پذیرش مهاجرین از دیدگاه قرآن چیست؟
۴. آیا از دیدگاه قرآن، مهاجرین همانند اهالی کشور میزبان (انصار) از حقوق یکسان برخوردار هستند؟

توسعه پایدار و منابع انسانی

طبق گزارش کمیسیون براتلند سازمان ملل (WCED) در سال ۱۹۸۷، توسعه پایدار عبارت است از توسعه‌ای که نیازمندی‌های نسل حاضر را بدون لطمه‌زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود برآورده می‌کند.^۱ لذا در پایداری یک توسعه، سه جنبه از اهمیت برخوردار است: اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی، و این هر سه باهم به‌طور کامل در تعامل هستند. پس اهداف توسعه پایدار عبارتند از:

- رشد اجتماعی: باید در جامعه درحال توسعه، نیازهای همه افراد برآورده شود و یا مردم احساس کنند که جامعه در مسیر توسعه و درصدد رفع نیازهای آنها می‌باشد تا از پایداری برخوردار باشد.
- حفاظت مؤثر از محیط‌زیست: هیچ نسلی از جامعه حق ندارد برای رسیدن به رفاه و برخورداری از تکنولوژی‌های برتر، منابع طبیعی را طوری مصرف کند که نسل‌های آینده را از آنها محروم کند.
- رشد اقتصادی: این توسعه باید رشد پایدار اقتصادی و رونق اقتصادی را به همراه داشته باشد.
- ولی اگر با دقت به این اهداف و تعاریف توجه شود، اهمیت نقش انسان و توجه به منابع انسانی و رعایت عدالت درباره آنها معلوم می‌شود. این اهداف توسط یک انسان با فرهنگ و آگاه که در اثر ظلم و جور مورد آزار قرار نگرفته و عقده‌های روی هم انباشته از جهان اطراف خود ندارد، قابل تأمین است. انسان ناآگاه و یا انسان نیازمند و مظلوم را نمی‌توان برای اجرای این اهداف مدیریت کرد.

همچنین دکتر الوانی و پورعزت - به نقل از مصطفی طلبا - در تعریف از توسعه پایدار تأیید می‌کنند که خوداتکایی، حراست از محیط‌زیست، بهینه‌سازی مصرف منابع، توجه به اولویت امنیت و سلامت انسان‌ها، توسعه انسانی و فقرزدایی، از اهداف توسعه پایدار قرار گرفته است ولی در ضمن می‌افزایند که فقر مخرب‌ترین عامل برای محیط‌زیست می‌باشد.^۲ پس می‌توان نتیجه گرفت که توسعه پایدار در جوامع، نیازمند رعایت حقوق شهروندان و کسب رضایت آنها و اشاعه فرهنگ و آگاهی است.

یافته‌های تحقیق

عدالت مهم‌ترین دغدغه قرآن درباره مهاجرین

شهروند عبارت است از به رسمیت شناختن موقعیتی رسمی که از حقوق و مزایایی برخوردار است. شهروند کسی است که در حمایت دولت بوده و در پیشبرد دعاوی‌اش همانند سایر اعضا بر مبنای برابری با سایر شهروندان از دولت کمک می‌گیرد و خود نیز با نقش داشتن در هیئت حاکمه، به دولت مشروعیت می‌بخشد. در حقیقت شهروندی هویتی است که به سه عنصر تجزیه می‌شود: عنصر مدنی، عنصر سیاسی و عنصر اجتماعی.

عناصر مدنی جایگاهی است که افراد می‌توانند بر مبنای آن به‌طور یکسانی دعاوی خاصی را علیه یکدیگر یا دولت مطرح کنند، عنصر سیاسی به افراد حق تصمیم‌گیری‌های دولتی نظیر شرکت در انتخابات و انتخاب شدن را می‌دهد و عنصر اجتماعی را می‌توان در رفاه عمومی خلاصه کرد.^۳

وقتی فشار مشرکین مکه بر مسلمانان زیاد می‌شود و عده‌ای از مسلمانان مجبور به مهاجرت می‌شوند؛^۴ خداوند به

1. WCED, *Sustainable Society*, P. 43.

۲. الوانی و پورعزت، «عدالت اجتماعی شالوده توسعه پایدار»، مجله کمال مدیریت، ص ۲۸ - ۱۷.

۳. جمعی از نویسندگان، *اخلاق کاربردی*، ص ۳۱۸ - ۳۱۷.

۴. ابن‌هشام، *سیرت رسول الله ﷺ* (سیره‌النبی)، ج ۱، ص ۳۱۳ - ۳۱۲؛ فیاض، *تاریخ اسلام*، ص ۶۳ - ۶۲.

پیامبرش می‌فرماید:

یهود و مشرکان را در عداوت و دشمنی، سرسخت‌ترین مردم نسبت به مؤمنین خواهی یافت ولی آنان که می‌گویند ما مسیحی هستیم نزدیک‌ترین دوستان به مؤمنین هستند. این به خاطر آن است که در میان آنان افرادی دانشمند و راهب وجود دارد و آنان در برابر حق و حقیقت کبر و غرور نمی‌ورزند و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر نازل شده بشنوند چشم‌های آنان را می‌بینی که پر از اشک شده است. این به خاطر حقیقتی است که دریافته‌اند. آنان می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آوردیم، ما را با گواهان (پیامبران و صالحان) منظور بفرما.^۱

این آیات در خصوص هجرت عده‌ای از مسلمانان - به همراهی جعفر بن ابی‌طالب معروف به جعفر طیار - به حبشه می‌باشد. از این آیات می‌شود رضایت خداوند و پیامبرش را از کشوری که نسبت به مهاجرین مسلمان خوش‌رفتاری می‌کنند، استنباط کرد.^۲ همچنین می‌شود فهمید که این خوش‌رفتاری اگر در همه عرصه‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی باشد، بدون شک باعث رضایت و خوشنودی بیشتر خداوند و پیامبرش خواهد بود. در آیات بعدی نیز که شامل آیات ۸۲ تا ۸۶ سوره مائده می‌باشد، خداوند رضایت خود را با وعده بهشت نسبت به حاکمیت حبشه یعنی نجاشی می‌فهماند و احادیث معتبری از رسول اکرم ﷺ نیز وجود دارد که شخص ایشان از عملکرد نجاشی راضی بودند. قبل از اعزام مسلمانان به حبشه پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

او(نجاشی) پادشاهی درستکار است و کسی در نزد او ظلم نمی‌کند و ظلم نمی‌بیند، پس نزد او بروید تا خداوند برای مسلمانان گشایش قرار دهد.^۳

در این حدیث مهم‌ترین ویژگی نجاشی این می‌باشد که نه اجازه می‌دهد کسی ظلم کند و نه اجازه می‌دهد که به کسی ظلم شود.

اساساً یکی از اهداف تأسیس فرهنگ مترقی هجرت توسط اسلام و تأکید به آن در آیات متعدد قرآن^۴ نجات یافتن از ظلم‌هایی است که در وطن مسلمانان بر آنان روا دانسته می‌شود و محدودیت‌هایی که در آنجا بر یک انسان مسلمان تحمیل می‌گردد. لذا خواسته اسلام، برخورداری مسلمانان از حقوق شهروندی - همانند سایر ساکنان یک کشور - است تا بتوانند به وظایف دینی خود عمل کنند.

پیامبر اکرم ﷺ برای تشکیل جامعه اسلامی و احیای حقوق افراد در مدینه، عهدنامه‌ای را - با توجه به وضعیت جامعه ساده اسلام در آن دوره - بین گروه‌های مهاجرین و انصار تدوین کرد و از آغاز ورود به مدینه، در جهت حفظ جامعه نوپای اسلام، در تلاش بود تا با ابزارهای گوناگون اجتماعی و اسلامی، تعصب‌های قبیله‌ای را به همدلی، یگانگی و برادری بین مهاجرین و انصار تبدیل کند.^۵ همچنین بنا به گزارش منابع گوناگون، پیامبر ﷺ برای حقوق یهودیان در مدینه، عهدنامه‌ای با آنان بست که در این عهدنامه به‌عنوان شهروند جامعه اسلامی محسوب و دارای آزادی دینی می‌شدند، البته در صورتی که به اسلام ضرر نرسانند.^۶

در زمان حکومت حضرت علی علیه السلام نیز طلحه و زبیر پس از چندی اقامت در مدینه و مخالفت حضرت با تقاضای مزایا و امارت آنها - به این جهت که خود را برتر از سایر افراد جامعه می‌دانستند - از امام مأیوس شده و به بهانه زیارت به مکه رفتند و در نهایت به گروه دشمنان پیوستند.^۷ این رفتار حضرت علی علیه السلام نشانگر عدم تبعیض و اجرای عدالت در جامعه اسلامی است.

علاوه بر آیات مربوط به مهاجرین صدر اسلام، ادله عام دیگری نیز از آیات و روایات می‌توان یافت که نشان می‌دهد

۱. مائده (۵): ۸۳ - ۸۲

۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۴۹.

۳. نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۴؛ فیاض، تاریخ اسلام، ص ۶۲

۴. نساء (۴): ۹۷ و ۱۰۰؛ انفال (۸): ۷۲، ۷۳ و ۷۴؛ توبه (۹): ۱۰۰؛ نور (۲۴): ۲۲؛ حشر (۵۹): ۹ - ۸

۵. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۰؛ ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۵۰ و ۲۲۱؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۵؛ ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۸؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۵.

۶. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۴۷۹؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷۶؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳۴.

۷. فیاض، تاریخ اسلام، ص ۱۴۴.

دغدغه قرآن و روایات اسلامی، برقراری عدالت برای مهاجرین مسلمان همانند سایر شهروندان می‌باشد:

۱. عدم وجود شرط و یا قیدی در قرآن در خصوص برخورداری از مواهب الهی می‌تواند دلیل خوبی برای محدودیت نداشتن مهاجرت به هر نقطه از جهان و حق برخورداری مهاجرین از تمام امکانات مقصد مهاجرت باشد. این دلیل شبیه دلیل حق حیات مایکل والزر می‌باشد.^۱ شهروندی و یا عضویت - که در جهان معاصر شرط بهره‌مندی از مواهب و امکانات یک جامعه است - طبق آیه قرآن مشروط نیست و همه از چنین حقی برخوردارند و باید بتوانند از تمام امکانات محلی که در آن زندگی می‌کنند، استفاده نمایند.^۲

۲. خداوند همه مسلمانان را امتی واحد می‌داند که باید با هم اتحاد و انسجام داشته باشند.^۳ علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» کلمه اختلاف را در مقابل امت واحد قرار داده و معتقد است که اختلاف از اموری است که طبع سلیم آن را نمی‌پسندد. ایشان اختلاف را باعث ضعیف شدن جوامع می‌داند و می‌گوید: اختلاف آثار سوء دیگری از قبیل نزاع، مشاجره، جدال، کشت و کشتار، کینه‌توزی و دشمنی نیز دارد که هریک به نوبه خود در سلب امنیت و سلامتی، تأثیر به‌سزایی دارند.^۴ از این آیه می‌توان استفاده نمود که «امت واحد» بودن انسان‌ها یک مطلوب الهی است و منظور از امت واحد بودن، عدم وجود اختلاف، درگیری و نزاع بین انسان‌هاست و این حاصل نمی‌شود مگر اینکه انسان‌ها حقوق یکدیگر را رعایت کنند و به حقوق یکدیگر تجاوز نکنند. یعنی انسان‌ها صرفاً به دلیل انسان بودن، حقوقی دارند که رعایت آن بر همه واجب است و این حقوق به طریق اولی نسبت به مهاجرین مسلمان در کشورهای اسلامی، قابل تسری می‌باشد. این استدلال قرآن نزدیک به دلیل دیوید میلر برای عدم محدودیت در مهاجرت است، ایشان حق حیات را حقی اساسی و عمومی می‌دانند.^۵

۳. در دیدگاه اسلامی - که منبعث از آموزه‌های قرآنی است - همه انسان‌ها از یک پدر و مادر می‌باشند و لذا بین آنها تفاوتی وجود ندارد.^۶ از سوی دیگر خداوند مؤمنین را باهم برادر می‌داند. علامه طباطبایی این نسبت را دارای آثار شرعی، حقوقی و اجتماعی می‌داند.^۷

امام صادق علیه السلام در ذکر آثار نسبت برادری می‌فرماید: برادر نباید به برادر خود خیانت کند و در حق او ظلم نماید و یا او را فریب دهد، اگر به او وعده‌ای داد نباید خلف وعده کند.^۸ روشن است که دین اسلام دغدغه رعایت حقوق انسانی و ایمانی را بین انسان‌ها دارد و مصمم است که این حقوق بین تمام انسان‌ها و به‌خصوص مسلمان‌ها رعایت گردد.

۴. خداوند بندگان خود را دعوت به احسان، انفاق، صلح و محبت به کسانی می‌نماید که یا ضعیف‌اند و یا مظلوم و نیازمندند.^۹ عمل به چنین دستوری که از سوی خداوند صادر شده است، اجازه تجاوز و تعدی به حقوق دیگران را نمی‌دهد. لذا انسان‌های نیازمند و خصوصاً مسلمانان، تابع هر ملت و کشوری که باشند، مستحق احسان هستند و خداوند انسان‌ها را تشویق به احسان می‌کند.

۵. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید: «مردم مانند دندان‌های شانه هستند (همه انسان‌ها با هم برابرند).»^{۱۰} این حدیث نیز همانند آیه اول سوره نساء وجود تفاوت را بین انسان‌ها نفی می‌کند. اختلاف بین انسان‌ها حاصل اختلاف جغرافیایی، نحوه تغذیه و متأثر شدن از محیط می‌باشد و به تفاوت و اختلاف در ذات بر نمی‌گردد. لذا نتیجه می‌گیریم که طبق نظر اسلام هیچ انسانی حق محروم کردن سایر انسان‌ها را در نیازهای اولیه ندارد.

۶. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم (تمام جهان) را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند

۱. والزر، حوزه‌های عدالت در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری، ص ۷۰.

۲. بقره (۲): ۲۹.

۳. هود (۱۱): ۱۱۸؛ انبیاء (۲۱): ۹۲.

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۸۱ - ۸۰.

5. Miller, *Principles of social justice*, P. 193 - 205.

۶. نساء (۴): ۱.

۷. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۴۷۰.

۸. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۹. نساء (۴): ۳۶.

۱۰. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹.

تا خدا را نافرمانی کنم و پوست جوی را از مورچه‌ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد.^۱ این حدیث به همراه ادله دیگر، بر اثبات حق برای مهاجرین نسبت به آزادی در برگزیدن محل زندگی، می‌تواند دلالت کند که دین اسلام بر تعدی نسبت به حقوق انسان‌ها با هر دین و مذهب و تابعیت که باشند، خشنود نیست.

هجرت و پناهندگی در قرآن

اهداف و انگیزه‌های هجرت بیش از پناهندگی است. در هجرت، مسلمانان علاوه بر تأمین امنیت خود، اهدافی از قبیل تبلیغ، توسعه دین، ایجاد تغییر، بهبود وضعیت محیطی که به آن مهاجرت می‌کنند و احیای شعائر اسلامی را دنبال می‌کنند. هر چند پناهندگان نیز می‌توانند نقش مثبتی در جامعه میزبان ایفا کنند ولی هدف اولیه از پناهندگی صرفاً نجات از ظلم ظالمان و حفظ دین، جان، مال و ناموس خودشان می‌باشد.

قرآن عنوان هجرت را برای پناهندگی جعفر طیار و مؤمنین همراهش به حبشه به کار نبرده است ولی روایات زیادی وجود دارد که در همه آنها این اتفاق و پدیده دینی، تاریخی و اجتماعی، هجرت نامیده شده است. در روایتی که هم از اهل سنت و هم شیعه نقل شده است، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: عمر و یارانش یک هجرت ولی کشتی‌سوارها دو هجرت داشتند.^۲ پیامبر اکرم ﷺ در مدینه مرجع قضاوت بین دو گروه قرار می‌گیرد، آنها که همراه پیامبر ﷺ هجرت کرده بودند خود را برتر از پناهندگان به حبشه می‌دانستند و مسلمانانی که مجبور شده بودند با کشتی به حبشه هجرت کنند، این برتری را نمی‌پذیرفتند و پیامبر اسلام ﷺ با این کلام نورانی خود فرمودند که نه تنها اجر مهاجرت به مدینه به مسلمانان پناهنده به حبشه نیز داده خواهد شد بلکه آنها به دلیل تحمل رنج بیشتر، از دو اجر و پاداش الهی برخوردارند؛ پاداش مهاجرت به حبشه و پاداش مهاجرت به مدینه. در این حدیث، پیامبر اسلام ﷺ پناهندگی به حبشه را نیز هجرت نامیده است.^۳

بسیاری از مفسران شیعه از جمله طبرسی، شیخ طوسی، علی بن ابراهیم قمی، علامه طباطبایی و مفسران اهل سنت از جمله فخر رازی، سیوطی، ثعلبی و ... در تفسیر آیات ۸۲ تا ۸۶ سوره مائده در بیان داستان پناهندگی مسلمانان به حبشه، این اقدام را با واژه هجرت بیان کرده‌اند. بسیاری از این مفسران، این واژه را از زبان اصحاب پیامبر ﷺ به کار برده‌اند و لذا می‌توان به جرئت گفت که در صدر اسلام، اقدام پناهندگی مسلمانان به حبشه هجرت نام داشت و در عرف مسلمانان آن زمان، بین هجرت به حبشه و هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه، تفاوتی وجود نداشته است.^۴

همچنین آیه ۴۱ سوره نحل که هجرت به دلیل مظلوم واقع شدن را مطرح می‌کند، قابل تطبیق با هر دو هجرت مسلمانان در صدر اسلام می‌باشد، هر چند با پناهندگی مطابقت بیشتری دارد. زیرا در آن آیه انگیزه ترک دیار توسط مسلمان، تنها رهایی از ظلم ظالمان ذکر شده است. یکی از دلایل اصلی هجرت رسول اکرم ﷺ از مکه به مدینه، نجات از ظلم مشرکین مکه بوده ولی اهداف و انگیزه‌های والای آن هجرت، این هدف را در تاریخ کم‌رنگ نموده است. در هجرت از مکه به مدینه اهدافی چون تشکیل حکومت و ایجاد شرایط و زمینه‌های مطلوب تبلیغ دین اسلام، در مقایسه با هدف پناهندگی و حفظ جان مسلمانان، بسیار مهم‌تر بودند. لذا تنها تفاوت اهداف و انگیزه‌ها در مهاجرت و پناهندگی، تقدم و تأخر آنها است، یعنی مهاجرین مهم‌ترین انگیزه خود را اشاعه اسلام و تشکیل حکومت، و پناهندگان اولین و مهم‌ترین انگیزه را برخورداری از امنیت قرار می‌دهند و بعد از اسقرار، به‌عنوان یک مسلمان به وظایف شرعی و اسلامی خود که برپایی شعائر اسلامی نیز جزئی از آنها می‌باشد، اقدام می‌کنند. پس می‌توان گفت به دلیل اشتراک در انگیزه مهاجرت و پناهندگی و عدم امکان تفکیک کامل این دو پدیده اجتماعی، معنای هجرت بر پناهندگی نیز صادق است.

ملاک‌های مهاجر مؤمن از دیدگاه قرآن

اگر امروز اشخاصی مانند مسلمانان روهنگیایی میانمار، به همراه پیامبر اسلام ﷺ به کشورهای اسلامی مهاجرت کنند، آیا

۱. نهج البلاغه، ص ۴۶۲.

۲. سید بن طاووس، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ص ۴۶۵ به نقل از صحیح مسلم؛ حلی، نهج الحق و كشف الصدق، ص ۳۴۷ به نقل از صحیح مسلم.

۳. ابن هشام، سیرت رسول الله ﷺ (سیره النبی)، ج ۱، ص ۳۱۳ - ۳۱۲.

۴. فیاض، تاریخ اسلام، ص ۶۳ - ۶۲.

مسلمانان همانند اهل مدینه با جان و دل از آنها پذیرایی می‌کنند؟ آیا هجرت فقط مربوط به دوران صدر اسلام بود و واژه مهاجر فقط به اهل مکه اختصاص دارد؟

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، افراد زیادی از کشورهای مختلف - خصوصاً کشورهای همسایه مثل افغانستان، عراق و ترکیه - با انگیزه‌های کاملاً دینی به ایران مهاجرت کردند. برخی برای نجات از ظلم، برخی برای تحصیل علوم دینی و برخی برای احیای شعائر الهی. با روشن شدن آتش جنگ در مرزهای ایران اسلامی و عراق، عده‌ای از همان مهاجران، در این جنگ شرکت کردند و برخی از آنها شهید یا جانباز شدند. خداوند در قرآن^۱ دستورات خود در خصوص مهاجرین را تعمیم داده است و تفاسیر معتبر قرآن نیز این دو آیه را تعمیم به احکام مهاجرت می‌دانند.

۱. آیه ۷۵ سوره انفال: «و کسانی که بعداً ایمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کرده‌اند، اینان از زمره شما هستند». آیا این مهاجران مصداق اتم و اکمل آیه فوق نیستند؟ در آیه فوق خداوند شرط مطابقت هجرت بر جابه‌جایی‌ها را ایمان به خدا و جهاد قرار داده است.
۲. آیه ۱۰۰ سوره توبه:

و پیش‌گامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند خدا از ایشان خشنود و آنان نیز از او خشنودند.

در این آیه از واژه «تابعین» استفاده شده و منظور از آن «جميع مؤمنين الي يوم القیامه» می‌باشد و در تفاسیر معتبر گفته شده حکم خشنودی خداوند در این آیه شامل همه مهاجرینی می‌شود که از ویژگی‌های گفته شده در قرآن برخوردار باشند. به‌طور کلی قرآن بدون اینکه بین مهاجرین و پناهندگان و بین مهاجرین صدر اسلام و بعد از آن، تفاوتی بگذارد، برای مهاجرین ویژگی‌هایی مانند ایمان، جهاد با مال و جان و هجرت در راه اسلام را بیان نموده است^۲ و هرگاه وظیفه‌ای برای جامعه اسلامی در قبال مهاجرین تعیین می‌نماید، قبل از آن، مهاجرین را با اوصاف فوق معرفی می‌کند و این نشان می‌دهد که آن ویژگی‌ها مهم است و بر هر موردی که این شاخص‌ها صدق کند، قطعاً احکام و حقوق مربوطه هم صدق خواهد کرد.

سایر حقوق مهاجرین از دیدگاه قرآن

از آیات قرآن و روایات معصومین می‌توان وظایفی برای جامعه اسلامی در قبال مهاجرین استخراج، و در نتیجه حقوقی برای مهاجرین در راه اسلام استنباط نمود.

۱. برخورداری از مأوا و محلی برای پناهندگی

مسکن برای مهاجر و پناهگاه برای شخص پناهنده بسیار مهم است. مسکن، نیاز اولیه هر انسانی است و شاید در مواردی مقدم بر آب و غذاست. منظور از مأوا و مسکن لزوماً مالکیت عرصه و اعیان نیست بلکه مراد وجود محلی برای سکونت است. این محل می‌تواند متناسب با شرایط اردوگاه یا منطقه خاصی از کشور و یا سکونت در محله و شهرهای مختلف همانند سایر شهروندان باشد.

در جامعه قریش به دلیل عدم وجود محلی امن برای پیامبر ﷺ و با هدف گسترش اسلام، ایشان و یاران‌شان به مدینه مهاجرت کردند. در مکه گروهی از انصار طبق پیمان عقبه حمایت خود را از پیامبر ﷺ اعلام کردند و بعد از هجرت، انصار، مهاجرین را برادر خود دانستند و در خانه‌های خویش به آنها مسکن دادند.^۳ این عملکرد محلی امن برای پیامبر ﷺ و مهاجرین ایجاد کرد تا جامعه اسلامی به پویایی برسد.

خداوند در سوره انفال پناه‌دادن به مسلمانان مکه را به‌عنوان نعمتی بزرگ به خود نسبت داده است^۴ و این نشان‌دهنده

۱. انفال (۸): ۷۵؛ توبه (۹): ۱۰۰.

۲. بقره (۲): ۲۱۸؛ انفال (۸): ۷۲.

۳. ابن‌هشام، سیره رسول الله ﷺ (سیره‌النبی)، ج ۱، ص ۴۷۴ - ۴۶۴؛ فیاض، تاریخ اسلام، ص ۶۹ - ۶۷، ۷۳.

۴. انفال (۸): ۲۶.

خیر بودن عمل پناه‌دادن است. چون از خداوند جز خیر صادر نمی‌شود و نیز در همان سوره - در آیه ۷۲ و ۷۴ - پناه‌دادن به مسلمانان مهاجر را معادل هجرت، ارزش‌گذاری نموده است.

حضرت علی^{علیه السلام} می‌فرماید: «ای گروه مردم، آدم (ابوالبشر) فرزند عبد و یا کنیزی به‌جای ننهاده و مردم همگی آزاد هستند»^۱. آزادی ابعاد مختلف دارد، از جمله آزادی در انتخاب محل زندگی، و قبول این آزادی برای انسان‌ها حقوقی را ایجاد می‌نماید که باید همه آن را رعایت کنند.

۲. نصرت و یاری مهاجرین

برخی از مفسران واژه «تَصْرُؤًا» در آیه ۷۲ سوره انفال را به معنی کمک در مقابل تهدیدات دشمنان و تأمین امنیت معنا کرده‌اند.^۲ هر چند مهاجرین از نظر هدف چند دسته‌اند ولی حتی مهاجری که به هدف کسب علم و یا تبلیغ دین وارد کشوری شده است، نیازمند امنیت است.

در دوره پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} به‌دلیل نصرت و یاری انصار^{رضی الله عنهم} مدینه از پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و مهاجرین مکه، حکومت اسلامی، در مدینه و براساس وحدت ایجاد شد و برای این وحدت، پیمان برادری و پیمان عمومی بین مهاجرین و انصار به‌وسیله پیامبر نوشته شد و جامعه اسلامی در سایه این اقدامات به شکوفایی رسید.^۳

در جهان معاصر نیز امنیت بعد از عضویت یک مهاجر در کشور مقصد حاصل می‌شود یعنی تا زمانی که مهاجر، شهروند قانونی محسوب نگردد، کشور میزبان هیچ مسئولیتی در قبال جان و مال آن شخص ندارد و لذا در حقیقت یکی از مصادیق مفهوم «تَصْرُؤًا» باید حق عضویت برای مهاجر باشد. متأسفانه امروزه اعطای عضویت به مهاجرین، بر مبنای نیاز کشور مقصد گرفته می‌شود یعنی گاهی برای تأمین نیروی کار ارزان قیمت، گاهی برای حل مشکل رشد منفی جمعیت، گاهی برای جذب افراد با استعداد و دلایلی از این دست، علت پذیرش مهاجرین قرار می‌گیرد. ولی نظر قرآن در این خصوص صریح است: وقتی عده‌ای به خاطر دین از خانه خود مهاجرت کردند، جامعه اسلامی باید به آنها کمک کند و امنیت آنها را تأمین نماید.

براساس تفسیری که علامه طباطبایی از آیه ۳۳ سوره مائده ارائه می‌فرماید، خداوند حق امنیت را برای همه انسان‌ها اعلم از اینکه تابع امت اسلامی باشند یا نباشند و به طریق اولی تابع یک کشور به‌عنوان شهروند باشند یا نباشند، قائل است و حاکمیت در جامعه اسلامی باید امنیت همه اعضای جامعه را تأمین نماید. ایشان مصداق محاربه با خدا و رسول^{صلی الله علیه و آله} را ایجاد ناامنی برای جامعه اسلامی و مسلمانان می‌داند و لذا تأمین امنیت برای همه مسلمانان را بدون هیچ قید و شرطی واجب و بر عهده حاکمیت جامعه اسلامی می‌داند.^۴

علاوه بر امنیت و اسکان، خداوند دغدغه تأمین غذا و سایر نیازها را برای همه انسان‌ها دارد و رحمانیت خود را وصفی برای همه مواهب دنیایی و برای همه انسان‌ها قرار داده است و برای تکلیف مسلمانان نسبت به حل مشکل غذا و سایر نیازمندی‌های انسان‌ها و به‌خصوص مسلمانان، هیچ شرط و یا قیدی را قرار نداده است.^۵

امنیت شامل اعطای عضویت و شهروندی، آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی می‌باشد و مهاجرین همانند اعضای یک جامعه باید از این امکانات برخوردار باشند.

۳. حمایت مالی

«و سرمایه‌داران و فراخ دولتان شما نباید از دادن مال به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند.» خداوند در این آیه مهاجرین را در ردیف نیازمندان فامیل و نیازمندان جامعه قرار داده است و همچنان که فقرا فامیل و غیر آن،

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۹.

۲. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۴۹؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۶۲.

۳. ابن‌هشام، سیرت رسول الله^{صلی الله علیه و آله} (سیره‌النبی)، ج ۱، ص ۴۸۴ - ۴۲۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۳.

۵. اعراف (۷): ۱۰؛ بقره (۲): ۲۹ و ۱۶۸؛ حجر (۴۹): ۲۰؛ طه (۲۰): ۸۱؛ ق (۵۰): ۶ - ۱۱؛ ملک (۶۷): ۱۵.

۶. نور (۲۴): ۲۲.

طبق آیات قرآن حقی از مال ثروتمندان دارند،^۱ مهاجرین هم همانند آنان از این حق برخوردارند. البته امر خداوند در این آیه به معنی واجب نمودن صدقه و احسان بر ثروتمندان نیست بلکه همانند همه آیات امر به زکات و بذل مال در راه خدا، این آیه نیز به دو بخش زکات واجب و مستحب قابل تفسیر است. یعنی به مهاجرین می‌توان از زکات واجب و صدقه و احسان مستحب پرداخت نمود. طبق این آیه خداوند از برخورداران و دارندگان مال و ثروت می‌خواهد که به مهاجرین کمک کنند و نیازهای مادی آنها را در حد توان خود رفع نمایند.

حتی قرآن به انصار و مسلمانان اهل مدینه توصیه اخلاقی می‌نماید که می‌توانند از اموال خود به نفع مهاجرین وصیت کنند و سهمی از مال خود را برای مهاجرین به ارث بگذارند.^۲ یکی از مهم‌ترین دلایل هجرت پیامبر ﷺ و مهاجرین به مدینه، حمایت انصار - با جان و مال - از پیامبر اکرم ﷺ و اسلام بود.^۳ البته قرآن به صراحت، واجب نبودن این دستور را یادآور می‌شود و تنها به‌عنوان یک توصیه اخلاقی - انسانی به آن اشاره می‌نماید ولی همین توصیه بیانگر اهمیت حمایت مالی از مهاجرین در راه خدا می‌باشد.

۴. حل مشکلات فرهنگی - اجتماعی مهاجران

هجرت یک پدیده دینی - اجتماعی است. افراد و یا خانواده‌های مسلمان، به دلیل مظلوم واقع شدن و یا استضعاف در حوزه معارف دینی، علقه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محل زندگی خود را قطع می‌کنند و به محیطی جدید وارد می‌گردند. در این جابه‌جایی به‌طور طبیعی نیازهایی غیر از نیازهای مالی و امنیتی نیز ایجاد می‌گردد. در سال پنجم هجرت، بعد از غزوه بنی المصطلق و بر سر آب، اختلافی بین انصار و مهاجرین ایجاد شد که پیامبر ﷺ با درایت خود این اختلاف را حل کرد تا این مشکل اجتماعی و این اختلاف بین مهاجرین و انصار در جامعه اسلامی گسترش نیابد.^۴

قرآن در آیه ده سوره ممتحنه به زنان مؤمنه مهاجری اشاره می‌کند که به دلیل نداشتن امنیت در خانه خود در شهر مکه، بدون اذن شوهر، خانه خود را ترک کرده و به همراه پیامبر ﷺ و یا بعد از ایشان به مدینه مهاجرت کرده‌اند، و به اهل مدینه که میزبان مهاجرین بودند، دستور می‌دهد که وقتی مطمئن شدید که آن زنان ایمانی راسخ به دین اسلام دارند، اولاً مهریه‌ای که همسران کافر به زنان مؤمن خود داده‌اند به آنها برگردانید تا دینی بر گردن آن زنان نباشد و در صورت تمایل و رضایت طرفین می‌توانید با هم ازدواج کنید (طبق احکام شرعی ازدواج زن مؤمن با مرد کافر جایز نیست و اگر ازدواج کرده باشند و بعد از ازدواج یکی از طرفین کفر را برگزیند و مرتد شود علقه ازدواج شکسته می‌شود و نیاز به خواندن صیغه طلاق نیست).

با توجه به مفاد این آیه معلوم می‌شود که کشور و یا هر جامعه میزبانی، در قبال مهاجرین مسئولیت سنگینی دارد. هر چند تجارب تاریخی نشان می‌دهد که در هر کشوری، مهاجرین بیشترین علقه‌های اجتماعی را در بین خود ایجاد می‌کنند. بعد از گذشت هزاران سال هنوز در کشور مصر بین قبطیان (اهل مصر قدیم) و سبطیان (فرزندان یعقوب که در زمان حضرت یوسف به مصر مهاجرت کردند) اختلاف وجود دارد. حتی در صدر اسلام در مدینه نیز تا نسل‌ها وقتی اتفاقی می‌افتاد صحبت از مهاجر و یا انصار بودن می‌شد. ولی اسلام معتقد است تنها شرط روابط بین انسان‌ها ایمان است و تنها عامل پذیرفته شده‌ای که می‌تواند روابط را بین انسان‌ها قطع کند، کفر است.

۵. رعایت مسائل اخلاقی

قرآن به برخی نکات مهم اخلاقی درباره مهاجرین در راه خدا اشاره کرده است که نیازمند دقت نظر است. یکی از دستورات الهی، عفو و گذشت است.^۵ واژه‌ای که قرآن در این خصوص استخدام کرده است، عفو و صفح است که پشت‌سر هم آمده‌اند. ظاهراً غفران و عفو هر سه معنی واحدی دارند ولی راغب در مفردات خود صفح را روگرداندن، اغماض و چشم‌پوشی از خطا معنی کرده است و معتقد است صفح از عفو رساتر است.^۶ وقتی عده‌ای از مؤمنین، از جامعه‌ای مهاجرت می‌کنند و با

۱. معراج (۷۰): ۲۴.

۲. احزاب (۳۳): ۶.

۳. ابن‌هشام، سیرت رسول الله ﷺ (سیره‌النبی)، ج ۱، ص ۴۲۷.

۴. فیاض، تاریخ اسلام، ص ۸۴.

۵. نور (۲۴): ۲۲.

۶. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۷۰.

فرهنگ خاص خود وارد جامعه اسلامی می‌شوند، ممکن است در بین آنها افراد خطاکار هم باشد، ممکن است به‌طور غیرعمد یا عمد اتفاقاتی رخ دهد و جامعه اسلامی از وقوع آن اتفاقات، آسیب‌هایی ببیند. دستور خداوند در چنین مواردی عفو و گذشت است. البته عفو و گذشت به معنی نادیده گرفتن همه حوادث و اتفاقات نیست. در هر حادثه و اتفاقی می‌باید مراحل قانونی و شرعی دقیقاً طی شود ولی وظیفه جامعه اسلامی جلوگیری از تعمیم دادن یک خطا به تمام مهاجرین است. دومین دستور اخلاقی قرآن، عدم حسادت به مهاجرین است. گاهی بنا به دلایلی خاص، حاکمیت جامعه اسلامی مجبور می‌شود امکانات خاص خود را در اختیار مهاجرین قرار دهد. مثلاً آوارگان را اسکان دهد، لباس گرم در اختیار آنها قرار دهد یا برایشان امکانات اولیه زندگی فراهم نماید. در چنین مواقعی لازم است مردم جامعه اسلامی از خود سعه‌صدر نشان داده و حتی اگر خود نسبت به آن امکانات، نیازمند هم باشند، حسادت ننمایند.^۱

سومین دستور اخلاقی ایثار و مقدم داشتن مهاجرین بر خود است. ایثار واجب نیست ولی خداوند با تأیید انصار به دلیل از خودگذشتگی نشان می‌دهد که از بندگان خود می‌خواهد که نسبت به اذیت و آزار دیده‌های در راه خدا، از خود ایثار نشان دهند. چهارمین و پنجمین دستور عدم حسد و داشتن روحیه گشاده‌دستی و داشتن محبت قلبی نسبت به مهاجرین است. یک مؤمن باید در دل تنها محبت کسی را جای دهد که در دل او محبت خدا جای دارد و معنی توئی - به‌عنوان یکی از واجبات دینی - همین است. خداوند از بندگان مؤمن خود می‌خواهد که نسبت به مهاجرین مؤمن، محبت داشته باشند.^۲

نتیجه

هجرت از وظایف الهی است که علاوه بر وجوب آن بر آنهایی که قادر به احیای شعائر الهی و یا کسب معرفت کافی برای انجام تکالیف شرعی در جامعه خود نیستند، بر امت اسلامی نیز واجب است که در حد رعایت عدالت، شرایط هجرت مسلمانان را فراهم نماید. یعنی در اسلام نه‌تنها هجرت واجب است، بلکه مهاجرپذیری و رعایت حقوق مهاجرین نیز واجب است. این شرایط هجرت، عبارت از رعایت حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مهاجران است. یافته‌های این تحقیق بر اساس آیات قرآن نشان می‌دهد که حقوق مهاجرین تنها در عرصه تأمین مکان و یا حتی تأمین اجتماعی نیست و جامعه اسلامی و همه مسلمانان مکلف هستند که حتی شرایط فرهنگی لازم برای مهاجرین را فراهم نمایند تا آنها در جامعه اسلامی تحت فشار روحی نباشند. البته نویسندگان در خصوص حقوق سیاسی مهاجرین، در قرآن سند صریحی نیافت که نص قرآن بر آن دلالت کند ولی دلایل عامه مثل دستور به برقراری عدالت بین همه انسان‌ها می‌تواند بر این امر نیز شامل شود. خداوند اقامه قسط و عدل را مختص گروهی نکرده و در آیات مربوط به اقامه قسط از واژه «ناس» استفاده نموده است،^۳ یعنی همه مردم باید از چنین حقی بهره‌مند باشند و یکی از اهداف ارسال رسل همین امر می‌باشد.

قبول حق بیعت کردن و یا پذیرش مسئولیت‌های بزرگ در جامعه صدر اسلام و خصوصاً شهر مدینه در زمان حضرت محمد ﷺ نشان‌دهنده این است که اسلام حقوق سیاسی را نیز برای مهاجرین مسلمان قبول دارد.

به نظر می‌رسد تأکید قرآن بر رعایت همه جوانب مادی و معنوی میزبانی از مهاجرین، به این دلیل است که اولاً فرهنگ هجرت که در احیای دین نقش بسیار مهمی می‌تواند ایفا نماید، به فراموشی سپرده نشود و مسلمانان برای انجام این تکلیف الهی ترغیب گردند و ثانیاً فرهنگ مهاجرت به نفع جامعه مهاجرپذیر می‌باشد و صیانت از منابع انسانی و حقوقشان از اهداف توسعه پایدار و بلکه از مهم‌ترین عوامل در پایداری توسعه جامعه است و این امر را تاریخ نیز به اثبات رسانده است. تاریخ تمدن اسلامی - ایرانی مرهون فرهنگ مدارا و رفتار عدالت‌محور جامعه اسلامی در قبال مهاجرین است.^۴

در زمانی که این تحقیق نوشته می‌شود، مسلمانان میانمار در کشور خود توسط دولت و مردم بودا مسلک، مورد آزار و اذیت و حتی قتل و غارت قرار می‌گیرند ولی در کشورهای همسایه - که اکثراً مسلمان می‌باشند - به‌طور جدی مورد استقبال قرار نگرفته و حتی بعضاً مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. فضیلت مهاجرت در زمان ما از جمله فضایل فراموش شده در جهان

۱. حشر (۵۹): ۹ - ۸

۲. حشر (۵۹): ۹ - ۸

۳. نحل (۱۶): ۹۰؛ حجرات (۴۹): ۹؛ نساء (۴): ۱۳۴.

۴. جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۱.

اسلام است و مسلمانان در انجام تکالیف خود نسبت به این واجب الهی جاهل و یا کاهل می‌باشند. پیشنهاد می‌شود اولاً با توجه به اهمیت و گستردگی مباحث هجرت، این موضوع جزو موضوعات فراخوان مجلاتی که به مسائل اجتماعی می‌پردازند، قرار گیرد. ثانیاً با توجه به اینکه در جهان امروز اجرای این فضیلت اسلامی نیازمند تمهیدات قانونی زیادی می‌باشد، مباحث حقوقی مهاجرت در جامعه اسلامی، مورد مطالعه قرار گرفته و برای وضع قوانین مترقی در این خصوص زمینه‌سازی گردد. ثالثاً با توجه به اینکه کشور ایران میزبان مهاجرین زیادی می‌باشد و با توجه به اهمیت بعد فرهنگی مهاجرت و لزوم تدوین راهکارهای اصلاح فرهنگ مهاجرپذیری که متفاوت از توریست‌پذیری می‌باشد، همایش‌ها و سمینارهای علمی و فرهنگی در سطح ملی برگزار گردد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق عطا، بیروت، دارالمکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۴. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵. ابن هشام، عبدالملک، سیرت رسول الله ﷺ (سیره النبوی)، ترجمه اسحاق بن محمد همدانی ابرکوه، مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی، ج ۱، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۰.
۶. الوانی، سید مهدی و پورعزت، علی اصغر، «عدالت اجتماعی شالوده توسعه پایدار»، مجله کمال مدیریت، ش ۲ و ۳، تابستان و پاییز، ۱۳۸۲.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۶.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۹. بوربور، ترانه، «مهاجران و راه‌های گذار از احساس تبعید: بررسی رهیافت‌های نظری»، مجله علوم اجتماعی، ش ۶۶، پاییز ۱۳۹۳.
۱۰. پروین، خیراله و رستمی، مرتضی، «بررسی اثرپذیری حق کار کارگران مهاجر قانونی در ایران از اسناد بین‌المللی»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۲، ش ۳، پاییز ۱۳۹۱.
۱۱. جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چ دوم، ۱۳۸۷.
۱۲. جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۳. حسین شاه، سید خدا و دیگران، «نقد و بررسی ادبیات جبران خدمات و مفهوم آن برای نیروی کار مهاجر»، فصلنامه مجله ایرانی مطالعات مدیریت، ص ۲۲۱ - ۲۰۳، ۱۳۹۳.
۱۴. حلی، ابو منصور جمال‌الدین، نهج الحق و کشف الصدق، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۹۸۲ م.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، مکتبه نذار مصطفی الباز، بی تا.
۱۶. رضائیان، محسن و همکاران، «وضعیت تغذیه کودکان مهاجر افغانی ساکن در شهرستان شهریار با استفاده از شاخص توده بدنی»، پایش، ش ۱، تابستان ۱۳۸۶.
۱۷. زیاری، کرامت‌اله و همکاران، «بررسی و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در شهروندان مهاجر و بومی (مورد پژوهش: شهر قم)»، مسائل اجتماعی ایران، ش ۱، تابستان ۱۳۹۳.
۱۸. سید بن طاووس، علی بن موسی، الطوائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم، خیام، ۱۴۰۰ ق.
۱۹. صدیقی، جمشید، «اهمیت هجرت پیامر اکرم ﷺ در گسترش اسلام و نشر احکام قرآن»، کعبه، ندا، سراج منیر، ش ۷، تابستان ۱۳۹۱.
۲۰. صدوق، جعفر بن محمد، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۵، ۱۱ و ۱۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسین، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۶۰.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۹۶۷ م / ۱۳۸۷ ق.
۲۴. عبداللهزاده آرانی، رحمت‌اله، «انگیزه‌ها و پیامدهای هجرت در اسلام»، *پیک نور*، ش ۴، زمستان ۱۳۸۲.
۲۵. فیاض، علی اکبر، *تاریخ اسلام*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۲۶. فیض کاشانی، محسن، *التفسیر الصافی*، قم، مؤسسه الهادی، ۱۴۱۶ ق.
۲۷. کلینی، یعقوب، *الکافی*، ج ۵، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
۲۸. نیشابوری، نظام‌الدین حسین بن محمد، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونز، لندن، ۱۹۶۶.
۳۰. والرز، مایکل، *حوزه‌های عدالت در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری*، ترجمه صالح نجفی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۹.
۳۱. یعقوبی، احمد بن یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، تحقیق مهنا، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۳ ق.

32. Miller, David, *Principles of social justice*, London, Harvard University Press, 1999.

33. WCED, Building, *Sustainable Society*, Newyork, WWW.Norton, 1981, p.43, 1987.

